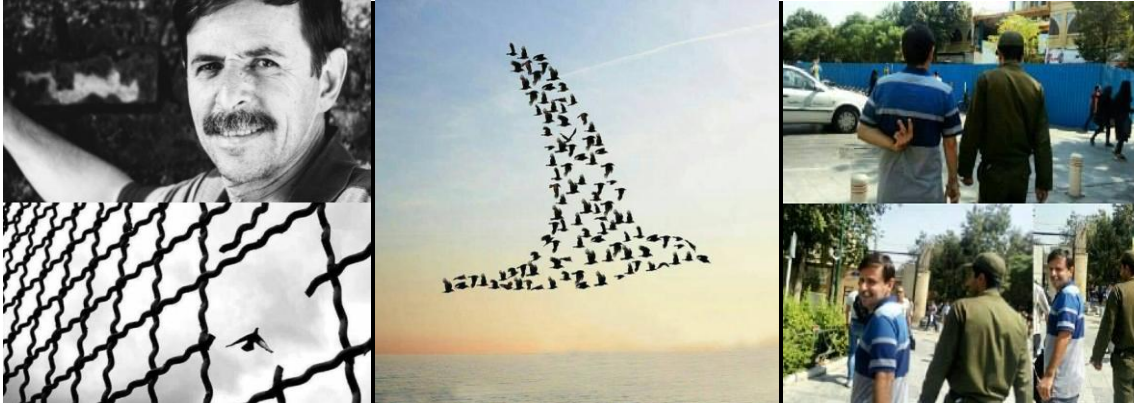


صدای محمود بهشتی لنگرودی معلم آزادیخواه زندانی باشیم!



باردیگر قاضی محمد مقیسه معروف به حاج ناصر یا ناصریان همچون سلف خویش ، شمشیر از رو بسته است !

امیرجواهری لنگرودی
دبیرتبعیدی

هوای چشم من اینک دوباره بارانی است
و لحظه های غریبی که تلخ و بحرانی است

من و سرای غم آلود و بیم تنهایی
در این غروب حزینی که سرد و ظلمانی است

[@mamoodbeheshti](https://www.mamoodbeheshti)

یادداشت:

در کانال تلگرامی همشهری آزاده ام آقای محمود بهشتی لنگرودی ، دو متن خبری، یکم- تایید حکم پنج سال زندان برای ایشان، با انتساب حکم از جانب قاضی محمد مقیسه ، رئیس شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران ؛ دوم- صدور حکم ۲ سال زندان برای قاضی جلال سعید مرتضوی نظرم را جلب نمود.
در کانال یاد شده، دو حکم صادره را در برابر هم نهاده است و نقل به مضمون، آمده است :
برای قاتل فرزندان مردم در زندان کهریزک، سعید مرتضوی دو سال زندان می تراشند ولی برای محمود بهشتی لنگرودی معلم آزاده پنج سال زندان . آیا این داوری و قضاوت خواهان یک واریسی همه جانبه برکسب و کار قاضی صادر کننده اش نیست؟

تفسیر خبر:

قاضی سعید مرتضوی جانی ، کسی که بعنوان : « سرپرست وقت سازمان تامین اجتماعی ، علیرغم مخالفت بخشی از قوه مقننه برسر پُست بزرگترین سازمان توده ای می نشانند. مرتضوی نیز به محض دست پیدا کردن در جایگاه مدیرعاملیت سازمان، با دست و دل بازی و با توزیع کارت هدیه میلیونی یا کوپن و وجه نقد به مدیران و معاونان دولت و بخش نمایندگان مجلس، آنگونه که کارگران در اطلاعیه ای آورده اند : « ... در مرداد ماه سال ۹۲ مدیرعامل وقت برای ۵۰ نفر از مدیران و معاونان این سازمان حدود ۶ میلیارد و ۲۴۳ میلیون پاداش در نظر گرفته که تنها پاداش یکی از مدیران ۴۰۰ میلیون تومان بوده است»، افزوده اند: « در حالی که سازمان تامین اجتماعی یک موسسه عمومی غیر دولتی است، مدیریت دولتی وقت مالکیت ۱۷۸ شرکت از مجموعه سازمان سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) را که ارزش واقعی آن بالغ بر ۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد می شود را به مبلغ ۱۷ هزار میلیارد تومان به بابک زنجانی فروخته است». این کارگران در ادامه یاد آور شده اند: « واگذاری انجام شده در حالی است که در سال ۱۳۲۵ دولت وقت بنا بر درخواست سراسری کارگران ایران نخستین بار با تشکیل سازمان تامین اجتماعی موافقت کرد و از آن زمان تا کنون ۶۶ سال است که منابع اصلی این سازمان بصورت بین النسلی از محل حق بیمه ماهیانه خانواده ۳۷ میلیون نفری کارگران و بیمه شدگان، تامین می شود...» (نامه هزارکارگرپارس جنوبی ، خیرگزاری دولتی- ایلنا، یکشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۲) و با تیرنه پرونده سعید مرتضوی در غارت اموال سازمان تامین اجتماعی ، بالاخره بعد از ۸ سال از سپری شدن آن سلسله جنایات تابستان خونین هشتاد و هشت، ابتداء در برابر چندین قتل صورت داده در زندان کهریزک ، برای نامبرده مدت (۵) پنج سال زندان تراشیدند و سپس با یک درجه تخفیف، حکم قطعی قاضی سعید مرتضوی بجرم معاونت در قتل ، ۲ سال حبس صادر شد. جدا از این در همان مقاله پادشده آورده ام: « احمدی نژاد در شرایطی در آخرین مصاحبه خود اعلام کرد که من اطمینان می دهم این دولت پاکترین دولت تاریخ کشور است که فضای اقتصادی کشور در سال های ۸۴ تا ۹۲ حاشیه های زیادی را در زمینه فساد و چپاول اقتصادی تجربه کرد که از مهم ترین آنها می توان به اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی اشاره کرد. همچنین پرونده «محمدرضا رحیمی»، معاون اول دولت احمدی نژاد، در رابطه با پرونده بیمه ایران ، و با اتهامات اخیر مالی رحیمی در پرونده فساد مالی سازمان تامین اجتماعی در مورد دریافت کارت هدیه از سعید مرتضوی رییس وقت سازمان تامین اجتماعی و متهم ردیف اول جنایت کهریزک نیز مورد اتهام قرار گرفته است.» (ماخذ پیشین، غارت دیگر باره

سازمان تامین اجتماعی و سهم ببری از کارگران موقوف (!)، در مقاله دیگری آورده ام «... تا امثال سعید مرتضوی ها و همپالگی های آنان ، قاتلان فرزندان مردم در فاجعه کوی دانشگاه ، جنبش ضد استبدادی خرداد ۸۸ به اینسو، آفریننده جنایات مشهود در کشتار گاه کهریزک و پیشتر نیز در مقام دادستانی و قاضی قضائی زندان اوین ، با ارتکاب صد ها جنایت فراموش نشدنی از خود، خونبار ترین ملودرام خون و جنون را برای بقاء و تثبیت همین نظام خلق کرد. چنین عنصر خود فروخته ای را به عنوان گزینه مورد وثوق از جانب عالی ترین مقام اجرایی کشور، که او نیز با نشان و هدایتگری ولی فقیه نشان دار شده، براس این سازمان می شناسند تا اینگونه چپاول نماید که امروز برای دستگیری و به محاکمه فراخواندنش؛ هیچ مرجع قضایی شهادت اقدام ننماید...» (۱)، (بخش دوم مقاله، چگونه اموال کارگران به تاراج برده شد؟

در برابر این دزدان سرگردنه، اما برای محمود بهشتی لنگرودی، معلم بازنشسته و سخنگوی کانون صنفی معلمان ، علیرغم دفاعیات مستدل و مستندات ارایه شده توسط خود و وکیل محترم ایشان، نامبرده را به تحمل ۵ سال حبس به احتساب ایام بازداشت محکوم می نماید.

قاضی مقیسه کیست و چرا اینگونه احکام ضد انسانی صادر می کند؟

قاضی محمد مقیسه از سال ۶۰ در شعبه ۳ اوین با نام مستعار "ناصریان" به بازجویی و شکنجه زندانیان مشغول بود و در بی رحمی و قساوت زیبازد! وی «... یکی از بزرگترین جنایتکاران علیه بشریت که در سال های اخیر مثلث جنایت را در نظام قضائی کشور تشکیل داده قاضی محمد ناصر مقیسه است، وی متولد حوالی ۱۳۳۵ در روستای کوچک مقیسه در دل کویر اطراف سبزوار است، روستائی که جمعیت آن بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ ششصد و چهل و چهار نفر (۲۲۱ خانوار) بوده است، نام خانوادگی او در واقع از این روستا گرفته شده است»، وی «این نام مستعار را از روی بخشی از نام خانوادگی که "ناصر مقیسه" است ساخته بود، او فعالترین فرد در جریان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ بود و لحظه ای آرام و قرار نداشت تقریباً هر کسی را که شخصاً می شناخت از دم تیغ گذراند... او برای فشار هرچه بیشتر روی زندانیانی که در راهرو مرگ بودند به آنها شیرینی و نان خامه ای تعارف می کرد! سپس از خوشحالی در راهرو مرگ دست هایش را در هوا باز کرده و به سبک بالرین ها می رقصید! تقریباً هر کسی را که شخصاً می شناخت از دم تیغ گذراند!» (۲)

قاضی مقیسه؛ به مانند سلف خویش، جلادانی همچون: محمدی گیلانی، خلخالی، لاجوردی، حاج داود رحمانی، داود لشکری، حسینعلی نیری رئیس هیأت کشتار ۶۷، مصطفی پور محمدی، ابراهیم رئیسی، سعید امامی، سعید مرتضوی و در دوره اخیر همچون: قاضی صلواتی و یا قاضی پیرعباسی، احکام ضد انسانی فراوانی را در مضامین تعزیری، تعلیقی، شلاق، اعدام و محرومیت های اجتماعی برای فرزندان مردم جامعه ما به ناحق صادر کرده است.

قاضی مقیسه؛ شارع بی مقداری که همواره احکام ضد و نقیض می راند تا اسب خویش براند و بر اریکه قدرت پای بفشارد!

قاضی مقیسه؛ خشک و تر می سوزاند و جای معلم و جلاد را با هم عوض می کند. در مورد قاضی مقیسه با همان ناصریان نوشته اند: «... در جریان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ او یکی از سازماندهان اصلی کشتار بود که در دادگاه ها نیز حضور می یافت و از هیچ کوششی برای بالا بردن آمار تلفات فروگذار نمی کرد! حتی با خدعه و نیرنگ از دادگاه حکم اعدام زندانیانی را که می رفتند از کشتار جان به در ببرند می گرفت! کینه او نسبت به زندانیان مثال زدنی بود تا آنجا که یک بار نیری رئیس هیأت کشتار به او تذکر داد که مسئولیت شرعی احکام با اوست!... او فعالترین فرد در جریان کشتار ۶۷ در زندان گوهردشت بود و لحظه ای آرام و قرار نداشت و می کوشید پاسداران و کادر زندان را نیز در این کشتار هر چه بیشتر درگیر کند! از آنجائی که سال ها دایر ناظر زندان های قزلحصار و گوهردشت بود به پرونده زندانیان دسترسی داشت و در برخورد با آنها شناخت کلی نسبت به وضعیت و روحیه زندانی داشت و نقش تعیین کننده ای در کشتار زندان در سال ۶۷ داشت.» (ماخذ پیشین، ایرج مصداقی)

قاضی مقیسه؛ انگار در نمی یابد که محمود بهشتی لنگرودی معلم آزاده ای که پیشتر از جانب معلمان بعنوان سخنگوی آنان برگزیده شد و در برابر ادعای دروغین محسنی از ای سخنگوی قوه قضائیه که در سطح خیرگزاری رسمی کشور گفته بود: «هیچ کس به خاطر داشتن صنف بازداشت نمیشود، (محمود بهشتی لنگرودی) محکوم مسائلی امنیتی است و جرمش صنفی نیست!» یا «... هیچ فردی بخاطر داشتن مذهب، عقیده و صنف بازداشت نمی شود. اگر فردی مرتکب جرمی شود بازداشت می شود. اگر جرم او ثابت شد محکوم می شود. این فردی (محمود بهشتی) که اسم بردید محکوم مسائل امنیتی است و ۵ سال محکومیت قطعی دارد و جرمش صنفی نیست. او مرتکب جرم امنیتی است و مراحل دادرسی را گذارنده و در حال تحمل کیفر است.» (۳)، محمود بهشتی لنگرودی از درون زندان اوین سه روز بعد یعنی تاریخ ۹۶/۶/۲۹، طی نامه ای و با فریادی رسا، پیام فرستاد و سخنگوی قوه قضائیه را به چالش طلبید و اعلام داشت: «در پاسخ به این بخش از سخنان آقای اژه ای باید عرض کنم ظاهراً در تفسیر واژه امنیت اختلاف نظر جدی بین مسئولین و مردم وجود دارد. قانون اساسی در بسیاری از اصول خود به حقوق مردم تأکید نموده و برای حفظ این حقوق و جلوگیری از تعدی حاکمان به حقوق ملت بر اصل تفکیک قوا اصرار ورزیده است. در کشورهایی که دارای قوه قضائیه مقتدر هستند نیز یکی از اصلی ترین وظایف این قوه حفظ حقوق شهروندان و صیانت از آزادی های مطروح در قانون و جلوگیری از تعدی دولت ها به این آزادی هاست.» و در ادامه نامه می نویسد: «... برخلاف ادعای ایشان اینجانب نه در مرحله بدوی و نه تجدید نظر نه تنها از هیچ وکیل استفاده نکرده ام، بلکه در دادگاه (که به ریاست قاضی صلواتی و کمتر از ۱۰ دقیقه طول کشید) فرصت هیچگونه دفاعی به اینجانب نیز داده نشد.» و در ادامه آورده است: «اصولاً نوع برخورد برخی قضات دادگاه انقلاب با وکلای متهمان مدنی- سیاسی- صنفی بقدری تحقیرآمیز و زنده بوده است که وکلای متهمان اینگونه پرونده ها ترجیح می دهند که از حضور در چنین دادگاه هایی اجتناب نمایند. علاوه بر این همانگونه که در گذشته عرض کرده ام اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت و روشنی رسیدگی به اتهامات کسانی را که اقداماتی با نیت خیرخواهانه و نقد حاکمان و عملکرد آنها انجام داده اند به دادگاه های عادی و با حضور هیئت منصفه سپرده است. بر این اساس صدور و اجرای احکام دادگاه های انقلاب؛ که در شرایط حساس آغاز انقلاب تشکیل گردیده و علی القاعده می بایست پس از استقرار نظام برچیده میشد؛ مشروع و قانونی دانسته و از عقای قوم در دولت و مجلس و قوه قضائیه تقاضا دارم که به منظور احیای حیثیت از دست رفته قوه قضائیه نسبت به اصلاح وضع موجود، اقداماتی شایسته و فوری انجام دهند.» (۴)

بدین ترتیب محمود بهشتی لنگرودی، با قامتی رسا از هویت خویش بعنوان یک معلم و سخنگوی جامعه شریف معلمان، برده برمی دارد و به ادعای محسنی از ای که او را نه معلم بلکه به جرم نا کرده "امنیتی"، به زندان گشاده اند، در پیشگاه مردم به چنین دروغ آشکاری مهر باطل می زند!

پرسش این است که قاضی مقیسه؛ واقعا ادعای به این روشنی را از آقای بهشتی لنگرودی در برابر حکم ضدانسانی قاضی صلواتی و حرف های نا مربوط محسنی از ای و پاسخ به او از قلم آقای محمود بهشتی لنگرودی را ندیده و نخوانده است، که امروز همان اتهامات کذب و دور باطل را به این انسان شریف نسبت می دهد تا ادله صدور ۵ سال زندان را موجه جلوه دهد؟

قاضی مقیسه؛ بعنوان قاضی پینه برپیشانی بسته و به نماز ایستاده، نمی تواند ادعا کند که اینها را نشنیده و نمی داند و اساساً نمی خواهد بداند که وقتی محمود بهشتی لنگرودی در مقام سخنگوی یک طبقه و نیروی عظیم اجتماعی برگزیده شد، نمی تواند لب فرو بندند و از منافع صنفی و مطالباتی خود و همکاران اش به وقت نیاز صحبت نراند و ساکت بماند.

قاضی مقیسه؛ خود میدانند، آنچه تا به امروز محمود بهشتی لنگرودی به زبان شعر، نگارش نامه ها، ارسال پیام ها، صدور قطعنامه ها و بهره گیری از تریبون های مختلف صحبت به میان آورده است، به نشانه دفاع از موجودیت نیروی اجتماعی معلمان کشور و همچنین به نشانه پاسخگویی به وجدان بیدار خود بعنوان سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران بوده است.

قاضی مقیسه همچون محسنی اژه ای نمی تواند ادعا کند محمود بهشتی لنگرودی، معلم نبود و برای صنف خود قدم برداشته است .

آنچه تا به امروز محمود در حق همگنانش به انجام رسانده و حتی دیدار و ملاقات با خانواده عبدالفتاح سلطانی و نسرین ستوده و کلای شناخته شده و یا چهره هایی همچون: اسماعیل عبدی و علی اکبر باغانی، رسول بدافی و همسر رضا شهابی و ... و ... به انجام رسانده ، نشانه انسانیت و سرافرازی معلمی ایست که دشواری و کلا و همکاران و هم طبقه ی هایش ، او را در خود فرو می برد و بر آتش می دارد که به وقت نیاز غم آنان خورد و به حرکت در آید.

قاضی مقیسه، آئینه تمام نمای آپارات نظام جمهوری اسلامی است و آن اینکه ؛ وقتی افراد جامعه غیر خودی اند ، همه مجرم اند . و از اینرو است که همواره به سناریو نویسی صدور احکام شدداد و غلاظ مشغولند. هر گونه هم آوایی و هم نفسی و همراهی و همدلی نشان دادن انسان های مال اندیشی از جنس محمود بهشتی لنگرودی ، جرم محسوب می گردد و دیگران را نیز باید "جریان فتنه" ، "زندانیان فتنه" ، "تجمعات غیر قانونی" ، "تشکل غیرقانونی کانون صنفی معلمان" ، "گروه های ضدانقلاب" و دهها برچسب ناچسب دیگر خورده شوند تا شارع مقدس شان آیه به آیه جوش خورد و شمولیت قوانین مقدس اسلامی و تک ماده های تضمین امنیتی شان ، به نام " قوانین مجازات اسلامی" ، بر پیشانی زندانی سیاسی خورد و دل صاحب مرده امثال جلدانی از نوع قاضی شرارت و بدبختی مردم یعنی قاضی مقیسه ها آرام گیرد و قوای ناداشته عقلانی اش بیخ از این پارسنگ بر ندارد

جرم اش این بود که اسرار هویدا می کرد!

همانگونه در کانال تلگرامی محمود آقا بهشتی لنگرودی از قول پایان یافتن تمام مدافعان نامبردگان آمده است بر پایه :

۱- « گزارش معاونت اطلاعات قرارگاه ثارالله تهران» مبنی بر اینکه « آقای محمود بهشتی با عضویت در تشکل غیرقانونی کانون صنفی معلمان، اقدامات گسترده ای را در راستای حضور افراد در تجمع های غیر قانونی در مقابل مجلس شورای اسلامی داشته نامبرده از سال ۷۸ به عضویت کانون غیرقانونی صنفی معلمان درآمده است»

۲- سمت دبیرکلی کانون صنفی را عهده دار شده و اقدام به سازماندهی اجتماعات بر علیه نظام نموده است.

۳- علی رغم عدم تمدید پروانه تشکل غیرقانونی کانون صنفی از سال ۸۲ به بعد و برخوردهای صورت گرفته با وی مبنی بر عدم فعالیت بر علیه نظام از طریق کانون صنفی در سال های ۸۳- ۸۵ و ۸۹، نامبرده تا هنگام دستگیری به فعالیت های خود ادامه داده و در تشکیل جلسات کانون و در حمایت زندانیان فتنه نقش موثر و حضور فعال داشته است.

۴- تأسیس شعبات تشکل غیرقانونی کانون صنفی ادامه داده و با برگزاری جلسات در پارک با دیگر اعضای کانون صنفی در جهت راه اندازی تجمعات علیه نظام فعالیت خود را ادامه داده است

۵- در تجمعات غیرقانونی ۱۰ اسفند و ۱۲ و ۱۷ اردیبهشت ماه ۹۳ و ۹۴ در جلو مجلس شورای اسلامی حضور داشته است.

۶- نامبرده (محمود بهشتی لنگرودی)، عامل اصلی راه اندازی تجمعات از طریق فضای مجازی تلگرام و صدای معلم افرادی را انتخاب نموده و شعارها و پلاکاردها را تهیه و مسئولیت قرانت قطعنامه را وی عهده دار بوده است.

۷- از فعالیت های نامبرده (محمود بهشتی لنگرودی) در راستای اهداف گروه های ضدانقلاب، راه اندازی تجمع ۱۱ اردیبهشت به مناسبت هفته معلم و برگزاری تجمع غیرقانونی ۱۷ اردیبهشت و برگزاری تجمع غیرقانونی ۶ تیرماه در مقابل زندان اوین است.

۸- حمایت از زندانی معلم اسماعیل عبدی.

۹- برگزاری راهپیمایی ۳۱ تیرماه ۹۴ که نامبرده (محمود بهشتی لنگرودی) در فضای مجازی تلگرام، صدای معلم در تاریخ ۹۴/۵/۳۰ اعلام می دارد هدف از برگزاری این تجمع تنها آزادی عبدی و دوستان نیست بلکه هشدار به مسئولین مملکتی است. این که تکرار اینگونه بازداشتها بدون هزینه نخواهد بود.

۱۰- از جمله فعالیت های نامبرده (محمود بهشتی لنگرودی)

الف- دفاع از زندانیان فتنه.

ب- دیدار با خانواده زندانی.

پ- ایجاد افتتاح حساب در بانک صادرات جهت جمع آوری کمک نقدی برای زندانیان امنیتی بوده است.

ت- پرداخت پول به خانواده بدافی و عبدی همچنین پرداخت مبلغی به خانواده بدافی بشکل ماهانه ... وجه نقد و پرداخت مبلغ ... جهت ودیعه خانه بوده است.

ث- دیدار با خانواده عبدالفتاح سلطانی و نسرین ستوده، عبدی و باغانی، بدافی. ...

۱۱- نامبرده (محمود بهشتی لنگرودی) از طریق فیس بوک با انتشار تصاویر زندانیان فتنه از جمله اسماعیل عبدی، علی اکبر باغانی، سید محمود باقری، عبدالفتاح سلطانی در جهت ایجاد بدبینی نسبت به نظام بوده است .

۱۲- دعوت افراد جهت حمایت از جریان فتنه فعالیت داشته و اقدام به انتشار بیانیه تشکل غیرقانونی کانون صنفی معلمان به مناسبت هفته معلم اردیبهشت ۹۳ نموده است.

جدا از این، یادشان رفته بود که دیدار ایشان با خانم ربابه رضایی همسر رضا شهابی ، پیام محمود برای اول مهر روز گشایش مدارس ، پیام مشترک او و اسماعیل عبدی در اعلام همدردی با مردم زلزله زده کرمانشاه و کردستان و صد ها کار انسانی دیگر وی را نیز جزو اتهامات ایشان منظور دارد .

با نگاهی به اتهامات دوازده (۱۲) گانه فوق و ضمائم اش به محمود بهشتی لنگرودی در می یابیم؛ که در ایران اسلامی ناب محمدی و در پدافند بخدمت گرفتن " قانون مجازات اسلامی" بر آمده از عصر شترچرانی ، به جامعه معلمان کشور اینگونه حکم می کنند :

جنبش مطالبه خواهی معلمان کشور، حق ندارد متشکل گردند و تشکل صنفی مستقل خود را ایجاد نمایند.

معلم نباید در روزی که به نام او نام گذاری شده، گرد هم آیند و مطالبات بی پاسخ مانده خود را بیان دارند. بلکه باید در همان روز به نام معلم آخوندی همچون (مرتضی مطهری) سینه زنی و نوحه خوانی و عزاداری راه اندازند تا ارج این "معلم" مرده و در زیر خروار ها خاک خفته، محترم شمرده شود و معلمان زنده باد هوا خورند و سه شیفته برای گذران زندگی خود کار کنند و صدایشان هم در نیاید!

معلمی با مشخصه محمود بهشتی لنگرودی؛ نباید بیانیته صادر کند. نباید در لباس سخنگو ظاهر گردد. نباید به همکاریان کمک و یاری رساند و دست خانواده آنها را بگیرد و برای کودکان اسباب بازی بخرد.

محمود لنگرودی؛ نباید در لباس سخنگوی طبقه خود ظاهر گردد!

محمود لنگرودی؛ نباید به همکاری زندانی اش و خانواده اش که یگانه نان آورش را به زندان کشانند و به تبعید روانه اش ساختند، یاری مالی کند و از خانواده های آنان به وقت نیاز دلجویی انسانی نماید!

محمود لنگرودی؛ حق ندارد به همکاری، هم طبقه ی و هم سلکان خود، اسماعیل عبدی، رسول بدافی، اکبر باغانی و محمود باقری و خانواده های هر یک از آنان، پیوند برقرار نماید و همکلام گردد. چرا که رفت و همکلامی و هم صحبتی در "قانون مجازات اسلامی" بر معلمی همچون محمود بهشتی لنگرودی، که خود زاده مهر و محبت و انسانیت و مردم داری است، بی معنی و حرام است!

محمود لنگرودی؛ نمی بایست با علی اکبر باغانی، معلم ازاده ایکه دیروز خود در مقام سخنگو و فعال این نیروی عظیم اجتماعی بود، بعد به زندان برده شد و بعد تر به زابل تبعید گردید، نه با او و نه با خانواده اش که بسان کفر ابلیس اند، رابطه ای برقرار نمایند.

محمود لنگرودی؛ حق ندارد با وکلای خود عبدالفتاح سلطانی و خانم نسرین ستوده همشهری و همکلام خودش دیدار داشته و با آنان مشاورت نمایند!

محمود لنگرودی؛ حق گشایش حساب مالی برای یاری رسانی به خانواده های معلمان در بند را نداشته و ندارد!

محمود لنگرودی؛ مجاز نیست که از شبکه های مجازی تلگرام، فیس بوک بهره گیرد و مجله صدای معلم را تقویت کند و برایش مقاله ارسال دارد!

محمود بهشتی لنگرودی با جسارتی کم نظیر در تاریخ ۹۶/۶/۱۷ می نویسد و فریاد می زند: «...اما تصمیم بنده همان است که قبلا اعلام کرده ام. از آن جا که حتی به گفته ی خود حضرات، این گونه پرونده سازی ها و احکام، در شرایط خاص دوره ی احمدی نژاد صادر شده و هیچ گونه مبنای حقوقی و قانونی ندارد، خودم را ملزم به تمکین این گونه احکام ناعادلانه نمی دانم.

من، یک معلم هستم، یک فعال صنفی و عضو هیات مدیره ی یک تشکل قانونی به نام کانون صنفی معلمان. حقیقتا، کدام کشور عقب افتاده ی جهان سومی را سراغ دارید که برای معلمانش، احکامی چنین ظالمانه صادر کرده باشد.

۱۴ سال زندان، برای فعالیت صنفی، مدنی و قانونمند؟!!

آن هم در جامعه ای که جنایتکاران و رانت خواران و مفسده جویان، در آرامش کامل به اعمال خلاف مشغول هستند؟!!

با این وصف، در موعد مقرر برای تعیین تکلیف به دادستانی خواهیم رفت.

به امید اصلاح امور...» (۵)

بدین ترتیب بعد از طرح این سطح اتهامات که من آنها را در ۱۲ مورد به تفکیک و با ضمیمه چند شماره گذاری نمودم، در ادامه خبر کانال تلگرامی آمده است:

«با عنایت به محتویات پرونده و بررسی های انجام شده، دادگاه بزه انتسابی به آقایان محمود بهشتی لنگرودی و ... را محرز و مشمول ماده ۶۱۰ ق.م.اسلامی دانسته، هرکدام از نامبردگان را تحمل ۵ سال حبس به احتساب ایام بازداشت محکوم می نماید. رای صادره حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه های تجدید نظر استان تهران می باشد.»، صدور این احکام ضد انسانی مصداق بارز وصیت "امام امت خمینی" امام مرگ است که از خود این ارثیه را به جا گذاشت: «نگذارید این انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان افتد»

با نگاهی به موارد بالا نشان می دهد که قاضی مقیسه چه داوری ناشیانه و ناکار آمدی را بر زندگی انسانی روا داشته که جز صداقت، سلامت شرافت، اخلاق مداری، قوام دوستی همسلکان، بردباری، مروت و مدارا، مهربانی و فضیلت های جسارت و آزادی و بسیاری از ویژه گیهای خود ویژه انسانی را با خود یدک می کشد. محمود بهشتی لنگرودی پیشتر طی مصاحبه ای با سایت "حقوق معلم و کارگر" گفته بود: «... سال ۹۴ به واسطه ی شکایت سپاه تارالله بازداشت شدم و پس از گذراندن دوران بازجویی به بند عمومی منتقل گردیدم تا این که به دستور بازپرس پرونده، تعیین وثیقه شد و پس از تامین آن توسط خانواده، بنا بود که به طور موقت و تا صدور احکام بدوی و تجدید نظر آزاد باشم اما هم زمان پرونده ی مربوط به دو حکم مجموعا به مدت ۹ سال قاضی صلواتی به جریان افتاد و مسوولان زندان مانع از آزادیم شدند. لازم به ذکر است که شاکی این پرونده وزارت اطلاعات بوده است...» (۶)

اینگونه قصابانه انگ شمول ماده "قانون مجازات اسلامی" بر پیشانی محمود بهشتی لنگرودی خورد. قاضی جرم و جنایت و خیانت و آدم کشی همچون سعید مرتضوی باید تنها دو (۲) سال حکم گیرد و راست و راست بگردد و به ریش همگان بخندد و لی محمود بهشتی لنگرودی پنج (۵) سال حکم قطعی زندان از جانب قاضی محمد مقیسه دریافت می دارد!

جدا از این حکم برپایه آنچه در سایت حقوق معلم و کارگر آمده است: «لازم به ذکر است که این فعال صنفی در سال ۸۹ هم با شکایت وزارت اطلاعات و در دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به تحمل پنج سال حبس محکوم شده بود که در حال حاضر مشغول گذران این حکم در زندان اوین هستند

با توجه به ۴ سال حکم تعلیقی که در سال ۸۵ بدلیل پیگیری اجرای لایحه مدیریت خدمات کشوری برای این فعال صنفی صادر شده، ایشان مجموعا محکوم به تحمل ۱۴ سال حبس تعزیری هستند» (۷)

پایان سخن:

آنچه در احوال قاضی مقیسه و قاضی صلواتی تا حال خواندم، انگار هر لحظه در پی کشف نمودن پستی و زبونی انسان هایی اند که "نان شان به قیمت ریختن خون دیگران" به دست اینان می افتد تا اسلام ناب محمدی شان که به دست شارع مقدس ایشان سپری شده، آسیب نبیند. تنها از همین روست که چنین احکام ضد انسانی و بیمارگونه ای صادر می کنند. قضات یاد شده؛ همچنان براریکه بلخ نشسته و همچون روایت تاریخ بیهقی به فتوای خلفای عباسی بغداد، همه مخالفان را به جرم "قرمطی"، "اسماعیلی" گردن می زدند، جناب ایشان نیز معلم / کارگر/ روشنفکر دگراندیش را بر نمی تابند و برآند همه آنی نیستند که

آنان می اندیشند . از اینرو باید " حرامی " شان نامید تا آرمان شهر ادعایشان صدمه نبیند و نان و قاتق " انقلاب اسلامی " شان به قیمت زندان ماندن دیگران ، سر پا بماند! جامعه معلمان سراسر کشور به چنین احکام ضد انسانی سخت معترض اند و صدای اعتراض خود را در تجمعات تجمعات ۱۳ مهر، روز جهانی معلم در کف خیابان های جغرافیای ایران و در دل قطعنامه مطالبی شان بیان داشته و آورده اند :

« ... از سوی دیگر بیش از ۴ سال است که از ادعای آقای رییس‌جمهور! مبنی بر جایگزینی امنیت فرهنگی به جای فرهنگ امنیتی می‌گذرد اما همچنان معلمان به خاطر فعالیت صنفی و آموزشی توسط حراست‌ها و نهادهای امنیتی مورد تهدید، احضار و بازداشت واقع می‌شوند. اگرچه برخی نهادهای امنیتی خارج از دولت به‌صورت غیرقانونی در امنیتی کردن فضای فعالیت صنفی نقش داشته‌اند، اما در برخی موارد نیز این برخوردها از سوی نهادهای زیرمجموعه دولت صورت گرفته است و می‌گیرد.

محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عبدی، محسن عمرانی و مختار اسدی از جمله معلمان هستند که به خاطر فعالیت صنفی در زندان به سر می‌برند و **علی‌اکبر باغانی** در تبعید است و معلمانی چون **رضا مسلمی و طاهر قادر زاده** تحت حکم هستند و **رسول بدایی** بعد از اتمام دوران حبس هنوز به سرکار برنگشته است. فعالانی که خواسته‌ای جز مطالبات صنفی و آموزشی نداشته و ندارند و مراحل محاکمه آنان بدون رعایت استانداردهای یک دادرسی عادلانه و برخلاف اصل ۱۶۸ صورت گرفته است. ما به امنیتی کردن فعالیت صنفی اعتراض داریم و خواهان توقف احکام فعالان صنفی و آزادی بدون قید و شرط آنان، رفع تبعید و اخراج و بازگشت آنان به سرکار هستیم...» (۸)

حدیث گذران سیر زندگی قضاوت قاضی مقیسه و قاضی صلواتی از ابتداء تا به امروز اینگونه بوده که آتش خشم او دامن پرشمار خانواده های ایرانی را گرفته و استقلال عمل زندگی خیلی ها را به گاهشماری خشم هر روزه خویش بر سر قضاوت ترویج اسلام ناب محمدی و رواج خشم و یک سو نگرانی اندیشه قرآنی به تباهی کشانده است . بی جهت نیست که گفته اند : تو چنانچه عامل و فاعل کشتار ۱۶۷ ای و... آتش خشم دادخواهی خیل عظیم خانواده های خاوران، چنان تو را خواهد سوزاند که همچون همه بنامان " جنایت علیه بشریت " ، در صف انتظار فرا روئیدن روز بهی بسر می برند!

ما همچنان در این بیغوله بیدادگری قاضی القضاات بلخ ، محمد مقیسه امروز و ناصر ناصریان دیروز و قاضی صلواتی، صدای محمود بهشتی لنگرودی باقی خواهیم ماند و خواهان آزادی بی قید و شرط او هستیم . من محمود بهشتی لنگرودی را از دیرپا ترین سال های زندگی ام از همان ولایت لنگرود می شناسم ، معلمی آزاده ، انسانی با منش و سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران، یکپارچه تنهانش نمی گذاریم !

منابع :

(۱) - (سایت راه کارگر، امیرجوهری لنگرودی، یادداشت کاری با عنوان ؛ غارت دیگر باره سازمان تامین اجتماعی و سهم بوی از کارگران موقوف ؛ ، جمعه ۶ آذر ۱۳۹۴)

(۲) - (سایت ایران گلبانگ، ایرج مصداقی؛ مقاله قاضی محمد مقیسه و سه دهه جنایت علیه بشریت، یکشنبه سوم اوت ۲۰۱۴)

<http://www.iranglobal.info/node/37269>

(۳) - (محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضائیه، خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا ، ۲۶/۰۶/۱۳۹۶)

(۴) - (سایت کلمه ، پاسخ محمودبهشتی از زندان اوین به محسنی اژه ای ، پنج شنبه ۳۰ شهریور، ۱۳۹۶)

<http://www.kaleme.com/1396/06/30/klm-262550>

(۵) - کانال تلگرامی محمود بهشتی لنگرودی

[telegram.me/mahmoodbeheshti1](https://t.me/mahmoodbeheshti1)

(۶) - (سایت حقوق معلم و کارگر ، دوازدهم سپتامبر ۲۰۱۷)

<http://bielid.info/%D9%85%D8%B5%D8%A7%D8%AD%D8%A8%D9%87-%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%B5%DB%8C-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D9%85%D8%B9%D9%84%D9%85-%D9%88-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%A7-%D9%85%D8%AD%D9%85/>

(۷) - (سایت حقوق معلم و کارگر ، بیست و پنجم سپتامبر ۲۰۱۷)

<http://bielid.info/%D8%AA%D8%A7%DB%8C%DB%8C%D8%AF-%D8%AD%DA%A9%D9%85-%D9%BE%D9%86%D8%AC-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%D8%B2%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86-%D8%AF%DB%8C%DA%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%AD%D9%85%D9%88%D8%AF/>

(۸) - (وبسایت خبری راه کارگر) ، قطعنامه پایانی، شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ۱۳ مهر ۱۳۹۶

<https://rahekargar1358.wordpress.com/2017/10/05/marv-9273>